

امتداد نقد استدلال به مرسله فقیه

اصولا چه وجهی دارد که پیامبر - صلی الله علیه و آله - همه خلفای خود را در قالب یک بیان بیاورند؟!

آیا جانشینی ائمه اثنی عشر - علیهم السلام - را باید با مثل تعبیری که در روایت آمده، آورد و با همان تعبیر از جانشینان آتی خود تا روز قیامت یاد کرد؟

نکته دیگر عدم بیان سایر شرائط خلیفه در کلام رسول الله - صلی الله علیه و آله - است.

با این توضیح که در خلیفه - به معنایی که مستدل، مورد نظرش است - شرایط زیادی معتبر است که البته یکی از آنها، آشنا بودن و تبلیغ تراث نبوی است، حال باید از مستدل پرسید، اگر نظر پیامبر - صلی الله علیه و آله - به چیزی است که مورد ادعای شما است، چرا بقیه شرایط بیان نمی‌شود؟!

به نظر می‌رسد - بر فرض قبول صدور چنین روایتی با این متن از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - حضرت به صدد بیان عظمت و منزلت بلند عالمان فهیم و مبلغ دین هستند که بگویند:

این‌ها جانشینان من به حساب می‌آیند و اگر دین، مجدی الحدوث است، علمائی البقا است. و این‌ها جانشینان من در این باره‌اند و بار بیشتری نباید بر دوش این روایت گذاشت. در این جا نمی‌توان از این سخن محقق اصفهانی گذشت که نوشته است:

«و المراد من الخلیفة ایضا هو من يقوم مقامهم فی تبلیغ الاحکام؛ فانه شأن النبی - صلی الله علیه و آله - و الامام - علیه السلام - «بما هما نبی و امام»، فانه المناسب لقوله - صلی الله علیه و آله - حیث سأل عن خلفائه: هم الذین یأتون بعدی و یروون حدیثی و سنتی...»¹.

البته تعبیر: «بما هما نبی و امام نسبت به امام صحیح نیست؛ چون شأن امام مثل رسول، شأن فقط تبلیغ نیست؛ هر چند در مورد نبی پذیرفته شود. بهتر بود ایشان این عبارت را به کار نمی‌برد یا می‌فرمود: بما هما نبی و مبلغ (و مبین) للشریعة». والامر سهل.

این واقعیت هم غیر قابل انکار است که معمولا در یک زمان (آن هم در کل جهان گسترده اسلام، که مفروض باحثان است) ده‌ها عالم با شرایط مذکور در مرسله، وجود دارند و همه هم خلیفه رسول الله - صلی الله علیه و آله - اند. و اختیارات کامل ایشان را دارند، رای مردم هم که ثبوتا هیچ نقش ضمانت‌شده ندارد و ... در این صورت قائلان به عدم اعتبار رای مردم هم که به حسب فرض (و قاعدتا عدم اعتبار مرزهای تعیین شده جغرافیایی) مساله تزامم اختیارات خلفا را چگونه حل می‌کنند؟ واضح است که هر پاسخ‌نمایی، مسموع نیست، باید پاسخی داد - که علی الحساب نزد ما وجود ندارد - که بتواند مشکل را حل کند و توهم انحلال مشکل کافی نیست.

1. حاشیة المکاسب، ج 1، ص 213؛ همچنین دیده شود مصباح الفقاهة، ج 5، ص 44.

2. روایت علی بن حمزه از امام کاظم علیه السلام : «اذا مات المؤمن ... ثلم في الاسلام ثلثة لا يسدها شيء؛ لأنّ المؤمنین الفقهاء حصون الاسلام كحصن سور المدينة لها»²...

مرحوم امام خمینی بعد از ذکر این حدیث و بررسی دفاع گونه از اعتبار سند آن، در وجه دلالت حدیث می نویسد:

«فكون الفقيه حصنا للاسلام كحصن سور المدينة لها لا معنى له الا كونه واليا له نحو - ما لرسول الله و للائمة - صلوات الله عليهم اجمعين - من الولاية على جميع الامور السلطانية»³.

ایشان قبل از این بیان گفته است:

«ان الفقيه لا يكون حصنا للاسلام الا بأن يكون حافظا لجميع الشؤون من بسط العدالة واجراء الحدود و سد الثغور و اخذ الاخراج و الضرائب و صرفها في مصالح المسلمين و نصب الولاة في الأصفاع و الا فصرف الاحكام ليس باسلام . بل يمكن ان يقال: الاسلام هو الحكومة بشؤونها و الاحكام قوانين الاسلام و هي شأن من شؤونها بل الاحكام مطلوبات بالعرض و امور آلیة لاجرائها و بسط العدالة»⁴.

نقد استدلال به روایت ابن ابی حمزة

نباید غافل شد که مساله مورد گفتگو، عهده داری حکومت توسط فقیه در حد تشکیل دولت مدرن و همه جانبه بدون رای مردم است. البته قید اخیر (بدون رای مردم) مصرح در کلام مرحوم امام خمینی نیست، لکن گفتگوی ما با کسانی است که ادله ولایت فقیه (از جمله روایات مورد گفتگو) را دال بر رد اعتبار رای مردم میدانند، هر چند اشاره و اقتضای اندیشه امام خمینی هم در این مجال همین است.⁵

به نظر می رسد تامل در نقد گذشته بر استدلال به مرسله فقیه، ملاحظات وارد بر استدلال به این روایت را نیز روشن می سازد. این که اداره شئون زندگی و دنیای مردم (با گستره عظیمی که دارد و دولت های مدرن عهده دار آن هستند، به عنوان «حکومت بشؤونها» قلمداد شود و با اسلام یکی انگاشته شود و فقها حصن این حکومت قلمداد شوند (در متن نقل شده دقت شود) و... مطالب قابل التزامی نیست. مطالب پایانی نقل شده از ایشان (بل ممکن ان يقال...) هم چندان قابل فهم نیست. احکام (=شریعت) بخشی از اصل دین است و

2. الکافی، ج1، ص38، ح3.

3. کتاب البیع، همان، ص633.

4. همان، ص632 و633.

5. البته از مجموعه رفتارها و سخنان ایشان ما به قراری معین در این باره نرسیدیم. شاید جستجوی بیشتر در این زمینه، جستجوگر را به نقطه روشنی برساند.